

دانشگاه پیام نور

رساله

برای دریافت درجه‌ی دکتری تخصصی

در رشته‌ی: زبان و ادبیات فارسی

دانشکده‌ی: ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی: زبان و ادبیات فارسی

عنوان رساله:

براعت استهلال و کاربرد آن در منظومه‌ها و متون ادب فارسی

از دوره‌ی رودکی تا آخر قرن هفتم هجری

استاد راهنما:

دکتر علی محمد پشت دار

استاد مشاور اول:

دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور دوم:

دکتر نرگس محمدی بدر

نگارش:

احمد نورمند

آذرماه ۱۳۸۸

دانشگاه پیام نور

رساله

برای دریافت درجه‌ی دکتری تخصصی

در رشته‌ی: زبان و ادبیات فارسی

دانشکده‌ی: ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی: زبان و ادبیات فارسی

عنوان رساله:

براعت استهلال و کاربرد آن در منظومه‌ها و متون ادب فارسی

از دوره‌ی رودکی تا آخر قرن هفتم هجری

استاد راهنما:

دکتر علی محمد پشت دار

استاد مشاور اول:

دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور دوم:

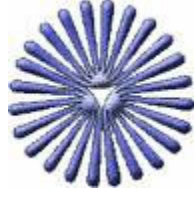
دکتر نرگس محمدی بدر

نگارش:

احمد نورمند

آذرماه ۱۳۸۸

تاریخ:
شماره:



دانشگاه پیام نور
باسمه تعالی
تصویب نامہ ی دورہ ی دکتری
رسالہ تحت عنوان

درجہ:

نمرہ:

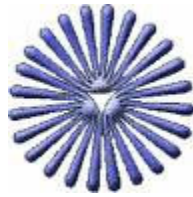
تاریخ دفاع:

اعضای هیأت داوران:

<u>امضاء</u>	<u>مرتبہ ی علمی</u>	<u>ہیأت داوران</u>	<u>نام و نام خانوادگی</u>
		استاد راہنما	۱-
		استاد راہنما ہمکار	۲-
		استاد مشاور اوّل	۳-
		استاد مشاور دوم	۴-
		استاد داور داخلی	۵-
		استاد داور خارجی	۶-
		مسؤول کمیٹہ علمی دورہ دکتری	۷-
		مدیر گروہ علمی	۸-
		مدیر تحصیلات تکمیلی	۹-
		معاون آموزشی مرکز	۱۰-

تاریخ:

شماره:



دانشگاه پیام نور

باسمه تعالی

صورت جلسه‌ی دفاع از رساله‌ی دوره دکتری

جلسه دفاع از رساله‌ی دوره دکتری خانم / آقای احمد نورمند

دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان: «براعت استهلال و کاربرد آن در منظومه‌ها

و متون ادب فارسی از دوره‌ی رودکی تا آخر قرن هفتم هجری»

با حضور هیأت داوران در روز مورّخ ساعت در محلّ ساختمان

برگزار شد و پس از بررسی رساله‌ی مذکور با نمره به عدد به حروف

و با درجه مورد تأیید واقع شد / نشد.

نام و نام خانوادگی هیأت داوران مرتبه‌ی دانشگاهی دانشگاه / مؤسسه امضاء

۱- استاد راهنما

۲- استاد راهنما همکار

۳- استاد مشاور اوّل

۴- استاد مشاور دوم

۵- استاد داور داخلی

۶- استاد داور خارجی

۷- مسؤول کمیته علمی دوره دکتری

۸- مدیر گروه علمی

۹- مدیر تحصیلات تکمیلی

۱۰- معاون آموزشی مرکز

تقدیم به:

انوشه انسان‌هایی که در عرصه‌ی علم و حلم، با معنی و مفهوم واژه‌هایی چون مرد و درد
و گنج و رنج آشنایند.

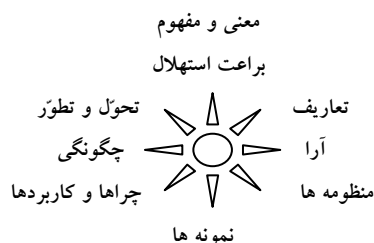
کلیات تحقیق:

براعت استهلال و کاربرد آن در منظومه‌ها و متون ادب فارسی

از دوره‌ی رودکی تا آخر قرن هفتم هجری

۱- تعریف و بیان مسأله

در انتخاب مسأله و عنوان و محتوا از مدل خورشیدی استفاده شده است:



رساله‌ی حاضر با هدف ارائه‌ی براعت استهلال و تحلیل آن در منظومه‌های برگزیده و برتر ادب فارسی تا آخر قرن هفتم هجری همراه با نقد و تفسیر و تحلیل‌های اشعار و ابیات موردنظر نمونه‌های برگزیده، جمع‌آوری و تدوین شده است. ضرورت پرداختن به یکی از مقوله‌های بدیع فارسی ما را بر آن داشت تا با طرح و عنوان سؤال‌هایی کلی همچون «علم بدیع چه نوع علمی است؟»، «براعت استهلال در ادب فارسی چه نوع آرایه‌ای است؟ و ویژگی‌ها، تحول و تطور آن در طی دوره‌های مختلف تاریخ ادب فارسی چگونه بوده است؟»، «کدام شاعران در آثارشان از این آرایه استفاده کرده‌اند؟ و هدفشان از این کار چه بوده است؟»، «کدام آثار منظوم از نمونه‌های مختلف تاریخی و سبکی کاربرد آرایه‌ی براعت استهلال تا آخر قرن هفتم هستند؟ و بسامد و کارکرد آرایه در نظم فارسی و به‌ویژه آثار برگزیده چگونه بوده است؟»، «وجوه اشتراک و افتراق آثار و منظومه‌های موردنظر در کاربرد این آرایه چیست؟»، و سؤال‌هایی از این قبیل، در حیطه‌ی آرایه‌ی براعت استهلال در ادب فارسی و علم بدیع، تحقیق و پژوهش نموده، کاری و رساله‌ای برای دوره‌ی دکتری ارائه‌دهیم که به‌نظر می‌رسد مؤلفان، نویسندگان و نکته‌پردازان

علوم و فنون ادب از پرداختن به آن اجتناب کرده‌اند و یا کارشان در حدّ ارائه‌ی مقاله و تک‌نگاری و یادداشت‌های پراکنده بوده است که این کارها هم متفاوت با کار و پژوهش ماست.

۲- بیان سؤال‌های اصلی تحقیق

۱-۲ بدیع چیست؟ و براعت استهلال در لغت و اصطلاح و علم بدیع چگونه تعریف شده است؟

۲-۲ ویژگی‌های آرایه‌ی براعت استهلال چیست و انگیزه‌ی به کارگیری آن کدام است؟

۲-۳ نمونه‌های منتخب (آثار) شعری که در طیّ تاریخ ادب فارسی و به‌ویژه از زمان رودکی تا آخر قرن هفتم هجری از این فنّ استفاده کرده‌اند، کدام‌ها هستند؟ تحلیل و نتیجه‌گیری نهایی و بررسی بسامدها چگونه است؟

۲-۴ رساله‌ی حاضر چگونه می‌تواند گره‌ی از گره‌ها و مشکلات ادبی‌را بگشاید؟ و مورد استفاده‌ی متخصصان امر قرار گیرد و چه کسانی از این پژوهش بهره می‌برند؟

۲-۵ چه عوامل و متغیّرهایی در این اثر به کار رفته‌اند؟

۲-۶ محدوده‌ی پژوهش مربوط، چگونه است و مشهورترین شاعران سبک‌های خراسانی و عراقی که در آثارشان از این آرایه استفاده کرده‌اند چه کسانی هستند؟ و بسامد کار آن‌ها چگونه است؟

۳- فرضیه‌ها

علم بدیع یکی از علوم ادبی است که از دیرباز مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است. براعت استهلال آرایه‌ی بدیعی خاصّ با ویژگی‌ها و اجزایی و محتوایی فراگیر، قابل بررسی و تحقیق است، پس می‌تواند به عنوان صنعت معنوی ادبی در آثار به کار گرفته شود.

شروع بعضی از شعرها، منظومه‌ها، تحمیدیه‌ها، مقدمه‌های بعضی از کتب علمی و بدیعی و مقدمه‌ی خطبه‌ها، آغاز سوگ نامه‌ها، تهنیت نامه‌ها و...، نمونه‌هایی از براعت استهلال هستند. براعت استهلال از بخش‌هایی مثل بخش آغازین، تنه و متن اصلی و قسمت پایانی تشکیل شده و با محتوایی فراگیر، در بسیاری از آثار شعری و نثری به کار گرفته شده است.

درون‌مایه‌ی بראعت استهلال در آثار مختلف دربرگیرنده‌ی موضوعاتی همچون مسائل روحی، فرهنگی، اجتماعی، دینی و... است. با توجه به موارد کاربردی، می‌توان گفت این آرایه در متون حماسی و غنایی زیاد به کار گرفته شده است.

۴- ضرورت انجام تحقیق

باتوجه به ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق به صورت‌های نظری و عملی، هدف از پژوهش حاضر علاوه بر توسعه‌ی روش‌های متنوع و دقیق علمی در شناخت مقوله‌ای از زبان و ادبیات فارسی، این است که گوشه و طرفی از مسائل ادبی فارسی که تا به حال مجهول مانده است به ادب دوستان توضیح داده شده، تحلیل گردد تا با اطلاعات موجود از دوران قبل و کار کسانی چون خطیب قزوینی و تفتازانی در علم بدیع و صناعت ادبی بראعت استهلال تا دوره‌ی معاصر و آثار منظوم و مثنوی دیگر و روش‌شناسی دقیق در مورد موضوع، بدانیم چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم و مراحل انجام کار چگونه است و این که کار، کار منطقی، علمی و عملی است و نکات مثبتی در آن به چشم می‌خورد. پاسخ به سؤالاتی نظیر این سؤالات، بیانگر فکر و اندیشه‌ی جدیدی در امر تحقیق است و در این راه نمونه‌گیری‌ها و تحلیل‌ها می‌تواند به صورت هدفدار در قسمت کاربردها مورد استفاده قرار گیرد. در حیطه‌ی کار، تعدادی از آثار به تعریف و ذکر نمونه‌ها بسنده کرده‌اند اما به ویژگی‌ها، کاربردها و تا حدودی تحلیل آماری اشاره ننموده‌اند و این جنبه از مسأله، هنوز مجهول مانده است. هدف ما تدوین، نقد و بررسی و انجام پژوهش به روشی جدید و صورتی دیگر است و از نظر گاه‌های ادبی، زبانی، فرهنگی و... می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. با این حال از نظر علمای روش تحقیق امروزی، کار، ارزش انجام دادن دارد و از نقطه‌ی جایی شروع می‌شود که پژوهش‌های دیگران به آنجا ختم شده است.

۵- پیشینه‌ی تحقیق

در قسمت «ضرورت انجام تحقیق»، ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق به صورت اجمالی توضیح داده شد و با توجه به این که آرایه‌ی بראعت استهلال از دوره‌ی خطیب قزوینی و قرن هشتم به بعد در کتب بدیعی ادب فارسی تعریف و تحلیل شده است، در آثاری مثل: مختصر المعانی تفتازانی،

التلخیص خطیب قزوینی، المعجم شمس قیس، تعریفات جرجانی، درّه نجفی، بدایع الافکار واعظ کاشفی، مدارج البلاغه در علم بدیع رضاقلی خان هدایت و فنون بلاغت و صناعات ادبی استاد همایی، معانی - بیان آقای آهنی، جواهر البلاغه‌ی هاشمی بک، هنجارگفتار تقوی، کشاف اصطلاحات الفنون تهانوی، ابداع البدایع شمس‌العلماء گرکانی، نگاهی تازه به بدیع دکتر شمیسا، نقد بدیع دکتر فشارکی، زیباشناسی سخن پارسی دکتر کزازی، بدیع نو از آقای محبتی، بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی دکتر وحیدیان کامیار، ساختار و مبانی داستانی آقای نادر ابراهیمی، مقاله‌ی براءت استهلال در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی از آقای اصغر دادبه، مقاله‌ی براءت استهلال در دانش‌نامه‌ی جهان اسلام از علوی مقدم و باز با این عنوان در مشکوة شماره‌ی ۲۶، مقاله‌ی چکیده و براءت استهلال خانم مزده کمالی فرد در فصلنامه‌ی کتاب و پایگاه‌های اینترنتی که در قسمت فهرست مآخذ و منابع آمده است، نظریاتی در مورد آرایه‌ی مذکور ارائه شده است و در هر یک، تعاریف و مثال‌هایی ذکر و به صورت مختصر و فشرده توضیح داده شده است. علاوه بر این موارد، از منظومه‌های مورد نظر از دوره‌ی رودکی تا قرن هفتم هجری به صورت تقسیم‌بندی تاریخی و سبکی و نوع ادبی در این تحقیق و رساله استفاده شده است.

۶- هدف‌ها

هدف‌ها در یک کار پژوهشی یا کلی‌اند و یا جزئی و اختصاصی. و هدف کلی‌ما همان عنوان رساله؛ یعنی «براءت استهلال و کاربرد آن در منظومه‌ها و متون ادب فارسی» است. اما اهداف دیگر عبارتند از:

۱-۶ بررسی چگونگی پیدایش علم بدیع و سیر تاریخی آن به صورت مختصر و آشنایی با آرایه‌ها و صناعات ادبی

۲-۶ آشنایی با آرایه‌ی براءت استهلال و ویژگی‌های آن

۳-۶ شناسایی و یافتن آثار و متون شعری و نظم‌ی که آرایه‌ی براءت استهلال در آن‌ها به کار رفته است.

۴-۶ تفکیک انواع براءت استهلال

۵-۶ تعیین بسامدهای آرایه‌های براءت استهلال آثار و تحلیل مختصر آن‌ها

۷- نتایج کاربردی پیش بینی شده‌ی تحقیق

می‌توان گفت با در نظر گرفتن بدیع بودن کار (تحلیل براءت استهلال آثار) و قابل پژوهش بودن آن و اهمیت امر در تحلیل بُعدی از ابعاد ادبیات، این تحقیق می‌تواند مورد استفاده‌ی دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و عموم مردم قرار گیرد و مفید و مؤثر باشد. چه این که همه‌ی افراد اجتماع می‌توانند به‌هنگام مطالعه‌ی کتاب‌ها، از مقدمه‌ی آن‌ها به اعتقاد و حتی موضوع و درون مایه‌ی اثر اشراف یابند و بدانند که براءت استهلال می‌تواند در مراسم مختلف اعم از عزا و بزم و... و نیز تحمیدیه‌ها، دعوت‌نامه‌ها، آگهی‌های مجالس ترحیم مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این با مطالعه‌ی اثر می‌توان به زمینه‌ی پیدایش آن و ریشه‌ی کاربردی‌اش پی برد و نظام‌دار و تخصصی بودن آن را دریافت. و حتی به نقش چنین کاربردهای ادبی در موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، باورها، آداب و رسوم و گفته‌های صاحب نظران و تجارب آن‌ها در طی قرون گذشته و متون و منظومه‌های فارسی تا آخر قرن هفتم هجری، اطلاع و اشراف پیدا کرد.

۸- جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری طرح

تحلیل براءت استهلال در منظومه‌های ادب فارسی از دوره‌ی رودکی تا پایان قرن هفتم هجری پژوهشی تازه و دست اول محسوب می‌گردد، در نظر گرفتن همین جنبه‌ی تحلیلی آرایه در آثار مورد نظر و ذکر ویژگی‌های آن اثبات‌کننده‌ی جدید بودن کار و تازگی امر پژوهش است.

۹- روش انجام تحقیق

در این اثر روش تحلیل محتوا و تحقیق کتابخانه‌ای با روش‌های نظری، کاربردی و ارزشیابی به کار گرفته شده است. اگرچه روش‌های تحلیلی دیگری بر مبنای اطلاعات قبلی و آماری نیز می‌توانست یاریگر نگارنده باشد. از طرفی روش انجام تحقیق از نظر علمی به صورت طرح سؤال، تنظیم فرضیه‌ها، سابقه‌ی موضوع و منابع، انتخاب طرح، جمع‌آوری اطلاعات از جامعه و نمونه‌های اولیه و ثانویه و کتابخانه‌ها، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری، صورت می‌گیرد. در نمونه‌برداری‌ها چون تحقیق بر اساس بررسی آثار، منابع و منظومه‌های موجود است. تحقیق توصیفی از انواع تحقیقات میدانی هم می‌توانست به کار گرفته شود. به طور کلی

ابتدا مطالبی در مورد فصل‌های مختلف رساله جمع‌آوری شده و مراحل و داده‌ها و نحوه‌ی اجرا تحلیل‌گشته و نهایتاً نتیجه‌گیری ارائه و در آن به فرضیه‌ها و مقایسه‌ی نتایج تحقیقات گذشته اشاره شده است تا اهمیت و ارزش کار تعیین گردد. در این کار به محدودیت تحقیق و یا تحدید آن، تعریف واژه‌های کلیدی و خلاصه‌ی فصل‌ها هم توجه و تأکید گردیده است.

۱۰- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

روش به کارگرفته شده در این تحقیق در وهله‌ی اول، روش کتابخانه‌ای و نیز از نظر رشته‌ی علوم اجتماعی روش تعقل و تفکر است اما در قسمت انتخاب نمونه‌ها، روش مطالعه‌ی منابع و متون است. ابزار گردآوری اطلاعات، در قسمت اهداف جزئی ذکر شده است که بیشتر کتاب‌ها و منابع مربوط به خودآرایه و متون است. علاوه بر این از سایت‌های اینترنتی، دانش‌نامه‌ها، دائرةالمعارف‌ها، مجلات و منابع دست‌اول و دوم؛ یعنی منابع کتابخانه‌ای همانند کتاب‌ها، رساله‌ها، مقاله‌ها، مجلات علمی، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، نمایه‌ها، چکیده‌ی مقالات، کتاب‌های پژوهشی، تکنگاشته‌ها و... نیز استفاده شده و بعد از یادداشت مطالب مهم و فیش برداری منابع، نتایج نقد و بررسی گردیده است تا گزارش پیشینه‌ی تحقیق مشخص گردد و راه‌حل مسأله شناخته شود و اطلاعات با توجه به حجم نمونه‌ها، فرضیه‌ها، نوع آزمودنی و روش سازماندهی اطلاعات و تحلیل و نتیجه‌گیری به منصفه‌ی ظهور درآید.

۱۱- جامعه‌ی آماری و تعداد نمونه

کلیه‌ی مدارک و منابع تحلیل‌آرایه‌ی براعت استهلال، دیوان‌ها، آثار منظوم و کتاب‌های مربوط به فصول رساله جامعه‌ی آماری است. این مدارک نماینده‌ی اهمیت دادن به روند کار و واقعی بودن آن است. نکته‌ی دیگر این که در انجام تحقیق از طریق نقد و تحلیل با توجه به وسع ذهنی نویسنده، مطالب جامعه‌ی نامحدود به محدود تبدیل شده، چون تهی‌ی فهرست کامل آثار کتاب‌های بلاغی و تاریخ ادبیات و دیوان‌ها خیلی دشوار بود، با طبقه‌بندی منابع موجود به نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای تصادفی (تاحدودی) و هدفدار توجه گردیده است. در گزینش نمونه‌های آثار منظوم به شاعران و سخنوران بارز از زمان پیدایش و دوره‌ی رودکی تا آخر قرن هفتم، بسنده شد و چون حدّ توان و زمان در انجام کار، مدّ نظر بود، نمونه‌گیری تصادفی ساده در این کار مفید تشخیص داده شد.

حجم جامعه هم مربوط به اندازه گیری متغیرهای مرسوم نیست تا در آن به اصطلاح صاحب نظران روش های تحقیق، آزمودنی هایی مطرح شود. سخن آخرین که در این تحقیق و کار اعضای جامعه؛ یعنی دیوان ها و آثار شاعران و نویسندگان مشهور، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و از میان آن ها، براءت استهلال آثاری که صاحبان آن ها از این صنعت ادبی استفاده کرده اند، تحلیل و بررسی شد.

۱۲- روش نمونه گیری

در کار ما روش نمونه گیری خاصّ و مدوّنی وجود ندارد تا در آن به عنوان مثال روش آماری با سطوح مختلف و متغیرهای مستقلّ و وابسته در نظر گرفته شود. فقط گزینش سبکی و ادبی آن هم به صورت تصادفی و خوشه ای مانند (اگر سبک مورد نظر باشد). مورد استفاده و استعمال قرار گرفته است. پس برای روش نمونه گیری با توجه به دو نوع آن به صورت های «احتمالی و غیراحتمالی» به نظر می رسد، نمونه گیری «غیراحتمالی گروهی» و یا «تصادفی طبقه ای نسبتی» در انتخاب آثار نمونه ی سبکی و نوعی برای کاربرتر باشد؛ مثلاً در انتخاب آثار نمونه، انتخاب ها به این صورت، علمی تر است. [و چون مثل بعضی از رشته های دیگر، کار پژوهشی حاضر در حیطه ی آمار و... نیست یا کمتر با آن ارتباط دارد، به «متغیرهای پیوسته» و «طبقه ای» و «دوارزشی» و «چند ارزشی» و نیز «کمی» و «فعلّ» و «تعديل کننده» اشاره نمی شود.] به طور کلی نمونه گیری مامربوط و محدود به متون نظم و نثر فارسی و کتب بلاغی است.

۱۳- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات؛ یعنی طبقه بندی، تنظیم و خلاصه کردن اطلاعات دریافتن پاسخ پرسش های مورد پژوهش و قابل فهم بودن آن ها و مطالعه ی روابط میان مسائل و تبیین داده ها از سه روش توصیفی، مقایسه ای و علّیت، سعی شده است، نوع دوم؛ یعنی از روش مقایسه ای در یافتن آرایه ی براءت استهلال استفاده شود تا پس از جمع آوری اطلاعات، با طبقه بندی و خلاصه کردن، تفسیر لازم از اطلاعات به دست آمده به عمل آید. و از این دیدگاه به در نظر گرفتن سطوح اندازه گیری مرسوم و روش های آماری توصیفی و استنباطی، در نتیجه گیری، چندان نیازی نیست. فقط در مورد طرح مسأله و فرضیه ها و انتخاب نمونه ها، به مطالعه ی زمینه و شرایط ایجاد آرایه و قضاوت در آثار معین شده پرداخته شده است. و در این راه سعی بر این بوده است

که از طریق معلول، علل شناسایی گردد و به ارزشیابی بیرونی و درونی پرداخته شود و اطلاعات با الفاظ و جملات خاصی، طبقه‌بندی گردد و در نهایت با کنار هم قرار دادن آن‌ها، اطلاعات و داده‌های مشابه تجزیه و تحلیل شده، اعتبار و میزان اطلاعات سنجیده شود.

در خور یادآوری است که لازمی تکامل هر علم انجام مطالعه و پژوهش‌های همه‌جانبه در مورد آن است در این رهگذر تغییر ساختار ذهنی و تجدید نظر در روستا ساخت و ژرف ساخت اندیشه‌ها، امری بس ضروری است.

نگارنده‌ی رساله خود را ملزم می‌داند با در نظر گرفتن این مطلب و نیز عنوان‌های مربوط به تعریف مسأله و عناصر اصلی تحقیق، تا حد امکان جوانب کار را موشکافی کند و برای نیل به اهداف ذکر شده از بذل هیچ‌گونه مساعی دریغ نورزد. چراکه دادن اطلاعات لازم در مورد موضوع و تجزیه و تحلیل و ارزشیابی مسائل آن و ارائه‌ی راه‌حل‌های مناسب به نحوی که بتوانند گره‌های ناگشوده‌ی مسأله را با سرانگشت تدبیر بکشایند، از جمله‌ی ضروری‌ترین و حتمی‌ترین وظایفی است که پیش روی مؤلف است و اصل مسلم و انکارناپذیری است که مسؤولیت و رسالت نگارنده را در ایجاد زمینه‌های مناسب برای شناخت آرایه و افزایش توانایی‌های علمی و مهارت‌های تخصصی بس خطیر تر جلوه می‌دهد تا با برداشتن گام‌های استوار در جهت بالا بردن سطح معلومات دانش‌پژوهان، کاری در خور ارائه‌دهد. طبیعی است که تهیه‌ی این رساله، در حقیقت برداشتن قدم اول است و بدون تردید نخستین گام خالی از خطا نمی‌تواند باشد. بنابراین از استادان و عزیزانی که با پیشنهادها و نظرات متین و وزین انتقادی و اصلاحی و تکمیلی در جهت اصلاح و تکمیل مطالب، نکاتی تذکر داده‌اند سپاس گزاریم زیرا بر نگارنده منت نهاد و راهنمایی‌های لازم را مبذول داشته‌اند تا مطالب رساله از نکته‌های زاید به دور باشد. بدیهی است طرح مطالب ضروری و تفکر و پژوهش دریافتن پاسخ‌ها و انعکاس نظرات و اصلاح نوشته و تبادل نظر و هماهنگی در انجام کار موجب بهتر شدن آن و مطلوبیت نوشته می‌شود.

براعت استهلال و کاربرد آن در منظومه‌ها و متون ادب فارسی

از دوره‌ی رودکی تا آخر قرن هفتم هجری

چکیده

با عنایت بر این که امروزه، خلأهایی بس بارز در حیطه‌ی موضوعات کار نشده‌ی زبان و ادبیات فارسی دیده می‌شود، بر هردانشجو و صاحب رأی ادیبی ضروری است که بُعدی از ابعاد موضوعات متنوع ادب فارسی را تحلیل و بررسی نماید و اثری بیافریند تا میراث گذشتگان بدین طریق از اسلاف به اخلاف انتقال یابد. بادر نظر گرفتن این مهم بود که خواستیم با مطالعه‌ی کتاب‌ها و آثار دیرینه و منظومه‌های ادب پارسی و به ویژه خوش‌آغازی آن‌ها، طرح نوی در انداخته شود و دست کم یکی از جلوه‌های فراموش شده‌ی آن؛ یعنی: آرایه‌ی براعت استهلال و کاربرد آن در منظومه‌های فارسی با نگاهی و نظری جدید تر مطرح و تحلیل گردد. هدف این است که طرفی و شمه‌ای از مسائل ادبی فارسی که تا به حال مجهول مانده است، به روش علمی و منطقی شناسانده شود. در این رساله، روش تحلیل محتوا با مباحث نظری و کاربردی مد نظر قرار گرفته است. نمونه‌گیری هم از کتاب‌های تاریخ ادبیات و کتب بدیعی و منظومه‌های مرتبط به صورت استفاده از نوع خوشه‌ای تصادفی ساده و هدفدار صورت گرفته است. نویسنده‌ی این رساله کوشیده است با توضیح و تحلیل آرایه‌ی مذکور؛ یعنی: شگرف‌آغازی در آثار و منظومه‌های فارسی، عناصر این آرایه را بررسی کند و در پایان کاربرد آن را به حوزه‌های دیگر زندگی اجتماعی بشری همچون آغاز سخن مداحان و سخنرانان در مراسم عزا، مقدمه‌گویی در حیطه‌ی مطالب معنوی و اخروی برای شروع تلاوت و تفسیر قرآن مجید، آغاز خطبه‌ها، بزم‌ها و به کارگیری آرایه در تحمیدیه‌ها، دعوت نامه‌ها، درج عبارتهایی در آغاز آگهی‌های مجالس ترحیم، سخنرانی‌ها و مواردی از این قبیل تعمیم دهد.

کلید واژه‌ها

بدیع، براعت استهلال، منظومه‌های فارسی، تحمیدیه، نمونه‌های آثار تا پایان قرن هفتم و تحلیل آن‌ها

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه
تحمیدیّه.....	۱
مقدمه.....	۵
فصل اوّل: سیر تاریخی ادب فارسی و تاریخ ادبیّات ایران.....	۱۷
۱-۱: آغاز شعر دری، رودکی و معاصران او.....	۲۵
فصل دوم: علم بدیع، تعاریف و پیشینه‌ی براعت استهلال و تحوّل و تطوّر آن.....	۴۲
۱-۲: معانی لغوی و اصطلاحی براعت و استهلال و پیشینه و ویژگی‌های آرایه.....	۴۷
فصل سوم: سیر تاریخی منظومه‌ها و منظومه سرایی و ترکیب و بافت آن‌ها	
منظومه و معانی لغوی و اصطلاحی آن.....	۸۱
۱-۳: شاعران پارسی‌گوی بی‌دیوان قرن سوم هجری.....	۹۸
۲-۳: شاعران پارسی‌گوی بی‌دیوان قرن چهارم هجری.....	۹۸
۳-۳: شاعران پارسی‌گوی بی‌دیوان قرن پنجم هجری.....	۱۰۰
۴-۳: شاعران قرن چهارم و نیمه‌ی اوّل قرن پنجم و آثارشان از جلد اوّل تاریخ ادبیّات در ایران دکتر صفا.....	۱۰۶
۵-۳: شاعران اواسط قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم از جلد دوم تاریخ ادبیّات در ایران دکتر صفا.....	۱۰۹
۶-۳: شاعران پارسی‌گوی دو قرن هفتم و هشتم از بخش اوّل جلد سوم تاریخ ادبیّات در ایران.....	۱۱۳
۷-۳: منظومه‌های سده‌های چهارم و پنجم هجری.....	۱۲۳
۸-۳: منظومه‌های سده‌ی ششم هجری.....	۱۲۵
۹-۳: منظومه‌های سده‌های هفتم و هشتم هجری.....	۱۲۷
۱۰-۳: نتیجه‌گیری فصل.....	۱۳۰
فصل چهارم: نمونه‌های براعت استهلال در منظومه‌ها از دوره‌ی رودکی تا آخر قرن	
هفتم هجری و تفسیر و تحلیل آن‌ها.....	۱۳۲
۱-۴: تحلیل براعت استهلال گونه‌ی پادشاهی کی‌کاووس از شاهنامه.....	۱۴۸

- ۲-۴: تحلیل براءت استهلال داستان رستم و سهراب از شاهنامه..... ۱۵۵
- ۳-۴: تحلیل براءت استهلال گونه‌ی داستان سیاوش از شاهنامه..... ۱۶۲
- ۴-۴: تحلیل براءت استهلال گونه‌ی رفتن کی خسرو به ایران زمین از شاهنامه..... ۱۶۷
- ۵-۴: تحلیل براءت استهلال پادشاهی کی خسرو که شصت سال بود از شاهنامه..... ۱۷۲
- ۶-۴: تحلیل براءت استهلال داستان فرود سیاوش از شاهنامه..... ۱۷۷
- ۷-۴: تحلیل براءت استهلال گونه‌ی کاموس گُشانی در عصر کی خسرو از شاهنامه..... ۱۸۲
- ۸-۴: تحلیل براءت استهلال گونه‌ی داستان جنگ رستم با اکوان دیو از شاهنامه..... ۱۸۶
- ۹-۴: تحلیل براءت استهلال داستان بیژن و منیژه از شاهنامه..... ۱۹۱
- ۱۰-۴: تحلیل براءت استهلال گونه‌ی داستان دوازده رخ از شاهنامه..... ۱۹۶
- ۱۱-۴: تحلیل براءت استهلال داستان رستم و اسفندیار از شاهنامه..... ۲۰۱
- ۱۲-۴: تحلیل براءت استهلال گونه‌ی پادشاهی اسکندر از شاهنامه..... ۲۱۰
- ۱۳-۴: تحلیل براءت استهلال گونه‌ی گفتارنوشین روان اندر ولی عهدکردن پسر خود هرمزد را و پادشاهی هرمزد از شاهنامه..... ۲۱۵
- ۱۴-۴: تحلیل براءت استهلال گونه‌ی گرشاسب نامه‌ی اسدی توسی..... ۲۲۳
- ۱۵-۴: تحلیل براءت استهلال گونه در بهمن نامه‌ی ایرانشاه بن ابی الخیر..... ۲۳۲
- ۱۶-۴: تحلیل کوش نامه‌ی ایرانشاه بن ابی الخیر..... ۲۳۶
- ۱۷-۴: تحلیل شهریارنامه‌ی مختاری غزنوی..... ۲۳۹
- ۱۸-۴: تحلیل فرامرزنامه از مؤلف ناشناس..... ۲۴۱
- ۱۹-۴: تحلیل برزنامه و داستان کُک کوهزاد منسوب به عطایی رازی..... ۲۴۳
- ۲۰-۴: تحلیل براءت استهلال و براءت استهلال گونه‌های داستان ویس و رامین..... ۲۵۲
- ۱-۲۰-۴: گفتاراندر زادن ویس از مادر..... ۲۵۳
- ۲-۲۰-۴: آمدن زرد پیش شهرو به رسولی..... ۲۵۳
- ۳-۲۰-۴: آگاهی یافتن موبد از قیصر روم و رفتن به جنگ..... ۲۵۳
- ۴-۲۰-۴: پشیمان شدن ویس از کرده‌ی خویش..... ۲۵۴

- ۲۵۴.....۵-۲۰-۴: رفتن موبد به شکار از دز کهن به فصل بهار
- ۲۵۵.....۶-۲۰-۴: درگذشتن موبد بی جنگ و خون ریزی
- ۲۶۰.....۲۱-۴: تحلیل آثار حکیم سنایی غزنوی
- ۲۶۳.....۲۲-۴: تحلیل براءت استهلال گونه‌هایی در مثنوی تحفة العراقین خاقانی
- ۲۶۵.....۲۳-۴: تحلیل براءت استهلال گونه‌های آثار نظامی براساس نظر تذکره‌نویسان
- ۲۷۳.....۲۴-۴: معرفی و تحلیل آثار عطار نیشابوری و بررسی براءت استهلال گونه‌ی خسرونامه‌ی او
- ۲۷۹.....۱-۲۴-۴: تحلیل براءت استهلال گونه‌ی خسرونامه‌ی عطار
- ۲۸۴.....۲۵-۴: تحلیل براءت استهلال‌های آثار شیخ فخرالدین عراقی
- ۲۸۶.....۲۶-۴: تحلیل براءت استهلال نی‌نامه‌ی مثنوی معنوی مولانا
- ۲۹۹.....نتیجه‌گیری
- ۳۰۳.....نمودارهای براءت استهلال منظومه‌ها
- ۳۰۵.....فهرست مآخذ و منابع (کتابنامه)
- ۳۱۲.....پایگاه‌های اینترنتی

تحمیدیّه

رَبِّ يَسِّرْ وَ تَمِّمْ بِالْخَيْرِ

ای که وفا از تو صفا یافته رخ به رخت دل چه جلا یافته
کن نظری بر دل مسکین ما تا که شود نور ولا یافته

افتتاح هر کلامی به نام ذات مقدّسی است که در شأن آن رحیم و رحمان، پیامبرش فرمود: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُذَكَّرْ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَتْرُ» نامی که نامه‌ی نامی بر او تمام است و بال خرد بلند پروازان، رنجه‌ی اوج اوست. او که از ابر رحمتش گل‌های بوستان معرفت، خرم و سرسبز و شکوفا گشته، گفت و گوی حرف عشقش مطلع دیوان‌هاست، نامش سردفتر اطفال دبستان عرفان و عرفات است و یادش شمع شبستان بالغ خردان شرفات. (مجلسی، ۱۳۶۶: ج ۱۹، ص ۲۴۲)

حمد و سپاس بی حدّ و بی عدّ خدایی را که «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»^۱ و گسترانید فرش را که «جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا»^۲ سپس «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»^۳ و مسخر گردانید خورشید و ماه را با «سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ»^۴ روشنایی را بر چهره‌ی ظلمات دنیا و دنیایان در صباح با آرایه‌هایی بیاراست و غلبه داد با «وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ»^۵ و الصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ»^۶ و بادها را خواست با «هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا»^۷ تا بشارت و بارور کننده باشد همه چیز را «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ»^۸ فرو ریخت از آسمان، آبی، پس برون آورد بدان از میوه‌ها روزی را برای شما. آمرزنده‌ی زلت و خطا با «هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^۹، صاحب اراده‌ی «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»^{۱۰} زنده و جاوید و ناظر و شاهد همیشگی «هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ»^{۱۱}، دانای خیانت «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»^{۱۲} و بینای عبادت «وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»^{۱۳}.

۱- سوره ی الرعد (۱۳)، آیه ی (۲)

۳- سوره ی طه (۲۰)، آیه ی (۵)

۵- سوره ی المُنَافِقَاتِ (۷۴)، آیات (۳۳ و ۳۴)

۷- سوره ی بقره (۲)، آیه ی (۲۲)

۹- سوره ی الرَّحْمَنِ (۵۵)، آیه ی (۲۹)

۱۱- سوره ی المؤمن (۴۰)، آیه ی (۱۹)

۲- سوره ی بقره (۲)، آیه ی (۲۲)

۴- سوره ی النَّحْلِ (۱۶)، آیه ی (۱۲)

۶- سوره ی الاعراف (۷)، آیه ی (۵۷)

۸- سوره ی بقره (۲)، آیه ی (۳۷)

۱۰- سوره ی بقره (۲)، آیه ی (۲۵۵)

۱۲- سوره ی آل عمران (۳)، آیه ی (۲۰)

در آیاتی اسماء او حُسنی که: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» و صفات او بی عیب و «عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ»^۱ (ستوده و نجفزاده بارفروش، ۱۳۶۵: جلد اول، ص ۱۱)

آن الهی که شخص انسانی را با «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۲ و «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۳ و با تشریف «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» مُكْرَم و مشرف به خلیفه اللّهی گردانید و فراوان کرد بر ما نعمت های آشکارا و نهانش را که «أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»^۴ ستاییم آن خدای را که دیباچه‌ی کتاب‌ها به تحمید او آراسته شود و مطلع همه‌ی خطابه‌ها از ذکر او زینت پذیرد. تنعم نیک‌بختان در فردوس به حمد او و تسلی بدبختان به ذکر او بود و به قول شیخ شهاب‌الدین سهروردی «حمد باد ملکی را که ملک هر دو جهان در تصرف اوست، بود هر که بود از بود او بود و هستی هر که هست از هستی اوست و بودن هر که باشد از بودن او باشد.» (سهروردی، ۱۳۷۲: ص ۱) خدایی که «كَلَّ الْأَلْسُنُ عَنْ صِفَتِهِ وَ حَجَبَ الْأَبْصَارُ عَنْ رُؤْيَيْهِ»^۵ شهد معرفتش رنج تلخکامی‌ها را از یاد می‌برد و جلوه‌ی محبتش سوزش دردهای ناپیدا را فرو می‌نشاند. (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ص ۶۱) آن خدایی را حمد که شهباز بلند پرواز و هم، در فضای سمای او پی گم ماند و شاهین تیزپرفکر در طیران هواش بال و پر برافشاند. طوطی زبان در قفس دهان کام‌خویش به شکرشکر، خوش‌گرداند و بلبل شیرین‌گفتار بر منبر عالی شاخسار، خطیب آسا خطبه‌ی عظمت و کبریایش بر خواند که: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْخَرُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلِّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ»^۶ عرش و فرش را بیافرید و به نکویی بیاراست. لوح و قلم را بر ماکان و مایکون روان ساخت و عقول و نفوس و افلاک را در وجود آورد. و به ایوان حجره‌ی خاصّ مقربان کرد و اندر ایوان نیلگون، دوازده برج برافراشت و چهار طبایع را نقش زمینی نهاد و موجودات را بر آن داشت تا

۱- سوره ی الانعام(۶)، آیه ی(۵۹)

۲- سوره ی بنی اسرائیل(۱۷)، آیه ی(۷۰)

۳- سوره ی المؤمنون(۲۳)، آیه ی(۱۴)

۴- سوره ی الحجر(۱۵)، آیه ی(۲۹)

۵- سوره ی لقمان(۳۱)، آیه ی (۲۰)

۶- سوره ی التّور(۲۴)، آیه ی(۴۱)